

بسم الله الرحمن الرحيم

تحقیق مسابقه رشد

گردآورندگان: مریم محمد پور، اعظم رفعیان، فریبا ارده

استاد راهنما: سرکار فاطمه خانم نبویان

چکیده:

شناخت آسیب های تربیتی از نظر قرآن و اهل بیت، در روند تربیت سالم و موفق، براساس فطرت، منطق و عقل لازم و ضروری است که در این پژوهش آسیبهای برخی از روشهای ناسالم تربیتی و راهکارهای آن مورد بررسی قرار داده است که نادیده گرفتن این اصول خواسته یا ناخواسته موجب اثرات منفی در روند تربیت می شود. از این جهت این پژوهش در صدد است به بررسی روشهای تربیتی موجود در نگاه قرآن و اهل بیت به تربیت فرزندان و آسیب شناسی روشها و ارائه راهکارهای مناسب در زدودن رذایل اخلاقی قدمی مؤثر بردارد. که در این نوشته با روش کتابخانه ای به بیان اقسام روشهای تربیت و شناخت اصول و روشها از نگاه قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام می پردازد.

واژگان کلیدی: تربیت، روشهای تربیتی، آسیب شناسی روشهای تربیتی

مقدمه

هدف نهایی و غایی جریان تربیت از سوی خالق انسانها تعیین شده است برای گام برداشتن و نزدیک شدن به سوی این هدف نهایی، تعیین هدفهای واسطه به مثابه ضرورت پله های نردبان برای صعود بر بلندی، ضروری است و اصول عام تربیت بر جریان تعیین این اهداف و سپس تعیین محتوی و روشهای لازم برای تحقق این اهداف حاکم و ناظر است. در حالی که اصول کاربردی به مراحل پس از تعیین اهداف واسطه اشاره دارد و صرفاً شیوه و طریق رسیدن به اهداف تعیین شده را مشخص می سازد. تربیت جریانی پویا و مستمر است و هر لحظه به ایجاد حالتی پس از حالتی دیگر اقدام می شود تا اینکه انسان به کمال نهایی نائل شود، هدف نقطه ای است که هر جریان تربیتی در صدد رسیدن به آن است

معنای لغوی تربیت: واژه ربّ به طور مطلق برای خدا به کار می رود ولی در حالت اضافه هم برای خدا و هم غیر او به کار می رود. مفردات راغب در ادامه بحث از واژه تربیت چنین شرح می دهد:

"گفته شده ربّانی منسوب به ربّان است یعنی دانشمند و راسخ در علم دین و عارف بالله) و نیز گفته اند ربّانی منسوب به واژه ربّ است که از مصدر است. ربّانی یعنی کسی که نفس خویشتن با علم پرورش می دهد که البته هر دو معنی (پرورش و رشد خویش با علم یا پرورش و رشد علم) تحقیقا ملازم یکدیگر است. زیرا کسی که نفس و جان خویش را با علم پرورش می دهد در واقع علم و دانش را رشد داده است و کسی که در راه تکامل عمل و دانش کوشید، خویشتن را با آن تربیت کرده است. الربّ در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد.^۱

معنای اصطلاحی تعلیم و تربیت: ظاهر شدن و بالفعل شدن توانایی ها و به فعلیت رساندن تمام گنجینه ها و استعداد های نهفته در درون است که باید زمینه ای برای او فراهم آورد تا آنچه را در درون دارد به فعلیت رسد. تربیت صرفا یک سری آموزش ها و محفوظات و تقلیدها نیست. آموزش وسیله ای

است که از طریق آن استعداد کودک شکوفا شده و قوه‌ها به فعلیت برسد و لذا نمی‌توان آموزشی را که به این نتیجه مهم نرسد، موفق نامید. از جمله اصلی‌ترین شیوه‌های تربیت دینی این است که به جای اصرار بر یادگیری‌های سعی بر شکوفا نمودن است.^۲

از این جهت در این پژوهش در صدد هستیم با بررسی روشهای تربیتی موجود در نگاه قرآن و اهل بیت به تربیت فرزندان و آسیب شناسی روشها و ارائه راهکارهای مناسب در زدودن و زایل کردن ردایل اخلاقی قدمی مؤثر برداریم

بخش اول: روشهای تربیتی

فصل اول: اقسام روشهای تربیتی

در این بخش به برخی از مهمترین روشهای تعلیم و تربیت می پردازیم.

۱- روش تربیت اخلاقی

یکی از ارکان و اهداف مهم دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعائر، ایجاد تحول اخلاقی در انسان است، به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه ی اخلاقی تأثیر بگذارند به کمال خود دست نیافته اند. پافشاری و تأکید بر غایت ها و فرجام های اخلاقی و عملی در قالب تقوا، عبرت آموزی، شکرگزاری، ایمان و یقین، دریافت هدایت، عبادت الهی، نیل به رشد و رستگاری و... بیانگر ارزش بی همتای عنصر اخلاق در میان دیگر عناصر است؛ مفاهیمی از قبیل برّ و نیکی، خیر، معروف، احسان، عدل، اجتناب از فحشا، منکر و ظلم و... حاکی از رویکرد اخلاق به تربیت دینی است. بنابراین می توان متعلق تربیت دینی را همان تربیت اخلاقی دانست از طرف دیگر نگاه قرآن به احکام و شریعت، نیز نگاهی حاکی از اخلاق مداری است

۲- روش تربیت دینی

بر اساس آیات و روایات اسلامی، سرپرست خانواده، اعم از پدر و مادر نسبت به تربیت دینی فرزندان خود مسؤولیت سنگینی دارند. خدای متعال خطاب به مؤمنان در سوره تحریم آیه ۶ از پیامدهای اخروی این مساله خبر داده و به آنان هشدار می دهد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ** «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، نگهدارید.»

نگه داری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و عملی حاصل می شود به گونه ای که آن ها را به آنچه خدا دستور داده امر و از آنچه نهی کرده باز دارید. انجام این مهم با استفاده از شیوه های جدید تربیتی و توجه دقیق والدین به تربیت دینی فرزندان در محیط خانه و سرمایه گذاری لازم در این زمینه، آثار مهم تربیتی از لحاظ فردی و اجتماعی بر کودک و اطرافیان او به جای خواهد گذاشت. مثلاً کودکی که با خدا آشناست تکیه گاه محکمی خواهد داشت و باهمین تکیه گاه، در برابر مشکلات استقامت می کند. برکت تربیت دینی کودک به والدین نیز می رسد. به گونه ای که کودک تربیت شده دینی، با والدین خود خوب رفتار کرده و با سخنان زیبا و پرمحتوایی که بر زبان جاری می سازد

۳- روش تربیت عملی

تربیت دو قسم است: ۱- تربیت با گفتن. ۲- تربیت با عمل. یکی از مهم ترین روش های مطلوب تربیتی «روش عملی» است و متأسفانه کمتر به آن عمل می شود. خدای بزرگ در قرآن کریم سوره بقره، آیه ی ۴۴ می-فرماید: «آیا مردم را به کار نیک فرمان می دهید و حال آن که خویشان را فراموش می کنید.»

تربیت عملی از تربیت با گفتن تأثیرش بیشتر است طبق آماری که برخی از روان شناسان ارائه کرده اند حدود ۸۰ درصد یادگیری از راه چشم و از راه گوش انجام می شود. یا در ضرب المثلی آورده اند: «یک تصویر گویاتر از هزار کلمه است» و می تواند تأثیر ژرف و شگرفی در تعلیم و تربیت او داشته باشد. زیرا مربی گفته های مربی را پیش از آنکه بخواهد از وی بشنود، می خواهد در اعمال و رفتار او ببیند و این درس بزرگی است که از مربی خود فرا می گیرد از سوی دیگر، اگر مربیان بین گفتار و رفتار مربیان تناقض و تعارض را مشاهده کنند، همین امر باعث می شود تا نسبت به همه گفته ها و نظام فکری - عملی مربیان بی اعتماد گردند و در نتیجه، در نظام فکری - عملی خود نیز دچار اختلال و سردرگمی شوند .

۴- روش تربیت گفتاری

در تربیت با گفتن سعه صدر است و تسلط بر اعصاب و با تلاف و مهربانی همراه باشد. زور و قلدری کسی را به جای نمی رساند، نفوذ کلمه هم نمی تواند پیدا کند. «القصر لا یدوم» یعنی زور به جایی نمی رسد. در قرآن هم در ماجرای موسی و فرعون خدا می فرماید: «فَقُولَا لَهُ قُولًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْتِي» یعنی بروید با این فرعون با مهربانی و تلاف حرف بزنید شاید آدم شود. شرط سوم هم آنست که بی تفاوت نباشد. البته سختگیر هم نباشد.^۳

۵- روش تربیت تقلیدی

الگو بهترین، مؤثرترین و طبیعی ترین وسیله برای انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است. باید به جای گفتار و پند و نصیحت، با رفتار و عمل خویش آموزش دهیم. چون فرزندان بسان درختانی هستند که در آب و خاک خانه رشد می کنند. معمولاً متناسب با همان آب و خاک میوه می دهند پس جو خانه را چنان کنیم که زندگی در آن فضای تربیتی به تربیت فرزندان کمک کند و نوجوان مانند زمینی است که هیچ چیز در آن نکاشته اند و هر دانه ای که در آن بکارند، می پذیرد و رشد می دهد. بنابر این باید قلب نوجوان را پیش از آن که تحت تأثیر عوامل مخرب و فاسد قرار گیرد با عوامل سالم و صالح پر کرد

۶- روش تربیت تلقینی

یکی از روش های دیگر تربیت تلقین مثبت به خود و دیگران است. امروزه نیز یکی از روش های درمان برخی از بیماری ها مانند افسردگی، منفی نگری، ناامیدی و وسواس، روش تلقین درمانی است.

حضرت امیرمومنان علی(ع) در نهج البلاغه کلمه ی قصار ۱۹۸ نیز این روش را مورد توجه قرار داده و فرموده اند: اگر بردبار نیستی، خود را همانند بردباران نما، زیرا بسیار اندکند کسانی که خود را به گروهی همانند می کنند و یکی از آنان نمی شوند.

هم چنین امام خمینی(ره) می فرماید: یکی از چیزهایی که برای انسان مفید است تلقین است ... یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند.

به همین جهت، اگر استفاده از روش تلقینی در تعلیم و تربیت به صورت «منفی» و «تحمیل» نباشد، بلکه به صورت آزادانه انجام پذیرد، بسیار مطلوب و موثر خواهد بود

۷- روش تربیت تدریجی

به کارگیری «روش تدریجی» در تعلیم و تربیت و ساختن انسان ها از لوازم مهم زمینه سازی پرورشی و آموزشی است. نازل شدن آیات قرآن و ابلاغ آن ها به مردم از سوی پیامبر محبوب خدا(ص) که مهم ترین و بهترین آموزش ها و روش های تربیتی را در بردارند در مدت ۲۳ سال و به صورت تدریجی بوده است.

بیان برخی از قوانین عملی اسلام برای مردم هم چون روزه، زکات و جهاد پس از ۱۵ سال، تحریم تدریجی ربا در آیات ۳۹ سوره ی روم و سوره ی آل عمران و ۲۷۵ تا ۲۷۹ سوره ی بقره و تحریم تدریجی مشروبات الکلی در آیات ۲۱۹ سوره ی بقره ۱۶۱-۱۳۰ سوره ی نساء و ۴۳ سوره ی نساء و ۹۰ و ۹۱ سوره ی مائده، سوره ی اسراء آیه ی ۱۶۰ ارزش و اهمیت استفاده از روش تدریجی در مسائل تربیتی و آموزشی را نشان می دهد و بر آن تاکید می ورزد.

نکات:الف- این روش بدین معنا نیست که در مراحل آغازین می توان از آموزش ها و استدلال های غلط و یا مسائل تربیتی بی پایه و سست پایه استفاده کرد.

ب- به کارگیری روش تدریجی تنها در قلمرو استدلال های و برهان ها نیست، بلکه در نوع مطالب و اعمال نیز صادق است.

ج- در تعلیم و تربیت حتماً باید سطح فکر، قدرت فهم و شرایط سنی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراگیران و فرزندان را در نظر داشت، زیرا نمی توان یک نسخه ی درمانی ارائه کرد. شاید به همین دلیل نیز بوده است که معصومان(ع) ما به یک سوال مشترک مانند «افضل الاعمال» (برترین کارها) از سوی افراد گوناگون، پاسخ های گوناگونی داده اند.^۴

۸- روش تربیتی سختگیرانه

«سیره ی نبی اکرم(ص) بر عدم تکلف استوار بود و آن را از افتخارات خود می شمرد، افتخار در بری بودن از تصنع و خودآرایی و بستن چیزی به خود و خود را به مشقت انداختن»^۵.
ایشان فرموده اند: «انّی لا احب المتکلفین» ؛ من اهل تکلف را دوست ندارم.^۶

در ان به فردیت و خواسته اعضا توجه نمی شود و همه اعضا محکوم و ملزم هستند که به خواسته ها و نظریات والدین یا بزرگتر ها تن در دهند فرزندان از حقوق ویژه ای برخوردار نیستند و اعتماد به نفس محدودی دارند و استقلال و خلاقیت و کنجکاوی چندانی نمی توانند داشته باشند و از لحاظ اخلاقی و در برخورد با مشکلات روز مره تحصیلی، ذهنی و... انعطاف پذیری کمتری دارند پدر و مادر سختگیر، همیشه محدودیت های مشخص و لازم الاجرائی را برای کودک وضع می کنند، ولی هرگز راهی برای توافق و سازش، قبول توضیحات و پیشنهاد های کودک، باز نمی گذارند

۹- روش تربیتی سهل گیرانه

ازمهم ترین روش های آموزش در هر چیزی آسان گیری است. آسان گیری از آن رولازم و ضروری است که سخت گرفتن موجب دور شدن فرد می شود انسان به صورت طبیعی از آسان شروع می کند و کم کم پس از گذشت زمانی به سختی ها گرایش می یابد و آن را انجام می دهد. اگر به شیوه های آموزشی و پرورشی قرآن توجه شود دیده می شود که قرآن کلام خویش را با بشارت و سخنان نرم و

تشویق و ترغیب شروع می کند. با آن که مخاطبان قرآن در آغاز مشرکان معاند و مخالفان کینه توزی بود کلام رابا بسم الله الرحمن الرحیم آغاز می کند.^۷

وقتی هر کس بتواند هر کاری را که میل دارد انجام دهد و دیگری حق دخالت در کار او رانداشته باشد خانواده متزلزل می شود و آثار تزلزل در رفتار بچه ها مشاهده می گردد. والدین در این خانواده ها محبت بیشتری ابراز می دارند، ولی نمی توانند قاطعیت از خود نشان داده و کنترلی اصولی روی بچه اعمال نمایند. افراد این خانواده بی بندوبار، لابلایی، سهل انگار، خودخواه و بی هدف هستند، احساس مسئولیت نمی کنند، قادر به زندگی اجتماعی نیستند، نمی توانند با دیگران به سر برند و اغلب در زندگی با شکست روبه رو می شوند.

۱۰- روش تربیت مقتدر

در این خانواده یکا یک اعضای ان از استقلال برخوردارند و اعضای دیگر برای عقاید آنان احترام قابل هستند نوجوانی که در این خانواده پرورش می یابد از بهره هوشی بالاتر از گروه همسالان دارد و بهتر درس بخواند و در جهت تکامل و پیشرفت علمی، اجتماعی و... قدم بر دارد از محبوبیت و از مزیت های دیگر برخوردار است والدین مقتدر به شدت معتقد به رعایت نظم و انضباط هستند پدر و مادر مقتدر از فرزند انتظار دارند از آنها اطاعت کند لیکن همزمان با وی دوست هستند و با فرزند خود به گفت و گو نشسته و برای او توضیح می دهند که چه رفتار مشخصی از نظر آنها شایسته یا ناشایست و غیراصولی است.^۸

والدین سهل گیر به روش های مختلف، نوجوانهایشان را نازپرورده تربیت می کنند اثرات آن عبارتند از:

جواب دادن به جای نوجوان در شرایطی که کسی از آنها سؤالی کرده است.

انتخاب لباس، جمع و جور کردن و شستن لباس ها، دنبال اشیاء و لوازم نوجوان ها گشتن.

خاطر نشان کردن ساعت و وقت روز به نوجوان تا به موقع به محل قرارش برسد.

والدین سختگیر اغلب به طرق زیر رفتاری می کنند:

از عملکرد نوجوان ها به شدت انتقاد می کنند

متوقع و تهدید کننده هستند

به نوجوان ها اعتماد نمی کنند و به آنها احترام نمی گذارند

در تکالیف مدرسه فرزندشان دخالت بیش از اندازه می کنند

پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند بچه هایی که والدین آسان گیر دارند، خیلی پرتوقع، متکی یا نابالغ و نامطمئن بار می آیند. علت این است که والدین آسان گیر از بچه های خود توقع رفتار مسئولانه و عاقلانه ندارند^۹

برخی از محورهای تربیت عبارتند از:

از دیدگاه امام علی(علیه السلام) یکی از مهم ترین عوامل سقوط و انحطاط جوامع و تمدن ها، ستم بر مردم است. رعایت عدالت و حاکمیت آن بر روابط و مناسبات اجتماعی، از جمله مهمترین اصول اخلاقی است که حافظ سلامت و تداوم نظام اجتماعی است؛ با رعایت عدل و انصاف دوستی و مودت شکل می گیرد و پایدار می ماند، عطف و محبت در روابط انسانی، با ظلم و بی عدالتی رخت بر می بندد.

۵. تندخویی و خشونت:

حسن خلق و خوش رفتاری، یکی از اصول مسلم اخلاقی است. که مورد توجه و سفارش معصومین(علیه السلام) نیز بوده است. از دیدگاه امام علی(علیه السلام) رفق و مهرورزی عامل اتحاد و همبستگی است و از ویژگی ها و خصوصیت های خردمندان است. چنانکه نهج البلاغه، نامه ۵۳ فرمود: و لا تنصبن نفسک لحرب الله فانه لا یدی لک بنقمته و لا غنی بک عن عفوه و رحمته و لا تدمن علی عفو و لا تبجن بعقوبه و لا تسرعن الی بادره و جدت منها مندوحه؛ و مبادا خود را برای جنگ با خدا آماده سازی که تو را توانایی خشم او نبوده، از بخشش و مهربانیش بی نیاز نیستی، و هرگز از بخشش و گذشت پشیمان و به کیفر شاد مباش و به خشمی که می توانی مرتکب نشوی شتاب منما.

امام علی(علیه السلام) در فراز فوق، پس از امر به مهرورزی، خشونت و تندی با افراد را مصداقی از جنگ و ستیز با خدا می داند. در نتیجه اهمیت مهربانی و مدارا با مردم نزد امام تبیین می شود.

نیروی محبت، از نظر اجتماعی، نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماع، اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود. محبت عامل مهمی در پایداری و ادامه ی حیات جوامع انسانی و تمدن ها است. قرآن خطاب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) سوره آل عمران/۱۵۹ می فرماید: فبما رحمه من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک؛

پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرمخو و پرمهر شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و بر ایشان آموزش بخواه، و در کار هابا آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

۶. تکبر و خودخواهی:

ارزش های اخلاقی با هر نوع خودخواهی و خودکامگی در تضاد است. این رذیله ی اخلاقی آسیب های جدی را بر پیکره ی نظام اخلاقی وارد می آورد. بنابراین امام علی(علیه السلام) همیشه تلاش می کردند تا زمینه ها و بسترهای خودخواهی در عرصه های گوناگون را بزدايد؛ تدابیر اجتماعی و عملکرد امام در عرصه ی حکومت و سیاست، نشانگر اهتمام ایشان به این موضوع است. امام علی(علیه السلام) ضمن نامه نهج البلاغه، نامه ۵۳ به مالک اشتر فرمود:

ولا تقولن انی مومر آمر فاطاع فان ذلک ادغال فی القلب و منهکه للدين و تقرب من الغير؛

مگو من مأمورم و امر می کنم پس باید فرمان مرا بپذیرید و این روش سبب فساد و خرابی دل و ضعف و سستی دین و تغییر و زوال نعمت ها گردد.

خودخواهی، انسان را به سرکشی و تعدی می کشاند و این امر با اهداف حاکمیت دینی که بر مبنای رعایت رفق و مداراست، منافات دارد. زیرا با ظهور این پدیده ی شوم، بین افراد اجتماع، حقوق مردم و رعایت کرامت آنها، زیر پا گذاشته شده و اموال آنها چپاول می گردد..

۷. سخن چینی:

در فرهنگ اسلام، سخن چینی از جمله رذایل اخلاقی است. در کلام معصومین(علیه السلام) سخن چینان، بدترین مخلوقات اند و بهشت نیز بر آنها حرام است. پذیرش و مقبولیت اجتماعی فرد سخن چین، خطری جدی برای جامعه دینی است. زیرا سلب اعتماد و امنیت شده و عامل ایجاد تفرقه و پراکندگی می شود.

امام علی (علیه السلام) خطاب به کارگزاران حکومت ادامه نامه ۵۳ سفارش کرده اند:

و لیکن ابعد رعیتک منک و اشنوهم عندک اطلبهم لمعايب الناس... و لا تعجلن الی تصدیق ساع فان الساعی غاش و ان تشبه بالناصحین؛

و باید از رعیت کسی را بیش از همه دور و دشمن داشته باشی که به گفتن زشتی های مردم اصرار دارد... و در تصدیق و باور داشتن بدگو و سخن چین شتاب ننما، زیرا سخن چین، خیانتکار و فریب دهنده است هر چند خود را به صورت پند دهندگان درآورد. زیرا فرد سخن چین بر تعاملات اجتماعی تأثیر به سزایی دارد و از نتایج آن «سوءظن» است، که در این صورت، اعتماد عمومی دچار آسیب می شود و ارتباطات اجتماعی و تعاملات انسانی از شکل صحیح خود خارج شده و رنگ و بوی خصومت می گیرد.

۸. تملق و چاپلوسی:

تملق از جمله رذائل اخلاقی است که نقش مهمی در آسیب پذیری نظام جامعه دینی دارد. امام علی(علیه السلام) در حکمت ۳۳۹ تعریف چاپلوسی می فرماید:

الثناء باكثر من الاستحقاق ملق...ستودن بیش از آنچه شایسته است چاپلوسی می باشد. میدان دادن به افراد متملق و چاپلوس، اصل مهم انتقاد و نقد و نظر را به چاپلوسی و تملق تبدیل می کند. امام علی(علیه السلام) سرمنشأ این رذیلت را حماقت فرد می داند؛ و خود و دیگران را از این آسیب برحذر می دارد. در واقع از مهم ترین آفات و عوامل عقب ماندگی جوامع، رواج روحیه ی تملق و چاپلوسی است. از این رو ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه دینی و از راه های مقابله با این آفت است. زیرا زمینه ای فراهم می آورد که عیوب مطرح شده و ضعفها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود.

۹. استبداد رأی:

در فرهنگ دینی «مشورت» به مثابه ی راهکاری برای جلوگیری از استبداد و خودمحموری و دست یافتن به اندیشه های برتر، مورد تأکید قرار گرفته است؛ امام علی(علیه السلام) یکی از ارکان تدبیر و اداره ی جامعه را مشورت می داند. جلوه ی آن را می توان در تضارب آراء، افکار و اندیشه های موافق و مخالف ملاحظه کرد. از این رهگذر صحیح ترین، کامل ترین و بهترین رأی حاصل خواهد آمد. بر همین اساس، می توان دریافت که مشورت از لغزش های آدمی کاسته و بر دوستی و همدلی می افزاید، زمامداران را با دیدگاه های گوناگون آشنا می کند و از روش های فراست و کیاست است چنانکه در بسیاری موارد فهم همه جانبه ی آنها برای یک شخص ناممکن است. از این رو مشورت با متخصصان، برای رسیدن به راه صحیح و اتخاذ تصمیم درست و مصون ماندن از لغزش ضرورت می یابد. در صورت خودرأیی، اضمحلال جامعه دینی قطعی خواهد شد؛ چنانکه خودرأیی اشعث بن قیس، فرمانده ی سپاه امام علی(علیه السلام) درجنگ صفین باعث ایجاد سستی در سپاه امام در مقابل سپاه معاویه شد.

۱۰. قانون گریزی:

رعایت قانون در روابط و مناسبات اجتماعی و اداره ی جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا اگر افراد جامعه نسبت به قوانین و ضوابط اجتماعی بی تفاوت باشند، به گونه ای مخاطره آمیز شالوده ی نظام اجتماعی تهدید و کارکرد و کارایی آن دچار اختلال جدی می شود. پس قانون مندی ضامن بقای نظام اجتماعی و کارکردهای آن است. از نتایج قانون گریزی سلب امنیت از حیات اجتماعی انسان است. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه و به منظور پرورش انسان مهذب بوده و شرف و ارزش انسان در تبعیت از قانون است. امام علی(علیه السلام) همواره به قانون گرایی و رعایت حدود الهی تأکید داشت و هرگاه کسی را به مسئولیتی می گماشت او را با قوانین و ضوابط کار و مسئولیت، آشنا می کرد. قانون گرایی ایشان سرانجام مخالفت قدرت طلبان را برانگیخت، زیرا آن حضرت هیچ شریفی را بر غیرشریف و هیچ عربی را برعجمی، برتری نمی داد و با بزرگان و سرکردگان قبایل سازش نمی کرد و هیچ کس را به هواخواهی خو بر نمی انگيخت. نامه های متعدد امام علی(علیه السلام) به مسئولان حکومت و مردم تحت حکومت، حاکی از اهتمام ایشان برای برقراری یک نظام قانونمند در روابط اجتماعی است. ازجمله نامه های ایشان فرمانهای حکومتی به «حذیفه بن یمان» فرماندار مدائن و نیز نامه ای به مردم مدائن است.

۱۱. افراط و تفریط:

افراط و تفریط از دیگر آسیب های اخلاقی است که جامعه ی دینی را- که تمام برنامه هایش براساس اصل اعتدال است- دچار چالش می کند. از این رو امام علی(علیه السلام) خطاب به مالک اشتر می فرماید:

و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق؛ و کاری که باید بیش از هر کار دوست داشته باشی میانه روی در حق است .

اندیشه ی اجتماعی امام علی(علیه السلام) مبتنی بر اصل اعتدال است. ایشان میانه روی در امور را جاده ی حق و مسیر هدایت می داند و راه راست راه میانه است که کتاب باقیمانده (قرآن کریم) و آثار نبوت . می فرماید: الطريق الوسطی هی الجاده علیها باقی الكتاب و آثار النبوه (سنت حضرت رسول) بر آن (شاهد) است و از آن راه راست؛ سنت و طریقه رسول خدا بیرون می آید و به سوی آن عاقبت امر بازگشت می کند به تعبیر دیگر، یکی از مهمترین عوامل انحراف و دوری از آموزه های اصیل دینی، افراط و تفریط در امور است.

۱۲. خودفراموشی:

یکی از موارد آسیب پذیری نظام اجتماعی در حوزه ی اخلاق و خودفراموشی است. قرآن کریم در بقره ۴۴/ در نکوهش این عمل چنین می فرماید: اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الكتاب؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید با اینکه خود کتاب می خوانید.

زیرا هدایت مردم و ترویج دین، در گرو آن است که افراد به آنچه می گویند عمل کنند و خود نمونه های عینی از عمل به آموزه های دینی باشند.

۱۳. جهل و تقلید کورکورانه:

دیدگاه امام ریشه ی استبدادپذیری و حقارت را جهالت و بی بصیرتی دانسته که برای رفع آن لازم است مردم آگاه شوند و تربیت یابند. از این رو نهج البلاغه، خطبه ۳۴ می فرماید:

ایها الناس ان لی علیکم حقا و لکم علی حق فاما حقکم علی فالنصیحه لکم و توفير فیئکم و علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تأدییکم کیما تعلموا؛ ای مردم مرا بر شما حقی و شما را بر من حقی است. اما حقی که شما بر من دارید نصیحت کردن به شماست و رساندن غنیمت و حقوق به شما است به تمامی و یاد دادن به شماست تا نادان نمانید و تربیت نمودن شماست تا بیاموزید.

رسول خدا و پیروان او به بصیرت دعوت می کنند، نه به جهالت؛ و به اطاعت آگاهانه و نه تقلید کورکورانه. از این رو خداوند فرمان می دهد که ای پیامبر بگو من با یقین و معرفت و حجت قاطع به توحید و عدالت فرا می خوانم و این سیره ی من و پیروان من است بر این اساس بسیاری از خسارتهای و مصائبی که در طول تاریخ، بر پیکره ی دین و اخلاق اسلامی وارد شده است، ناشی از عدم فهم آگاهانه دین و تقلید کورکورانه بوده است.^{۴۴}

نتیجه

تربیت جریانی پویا و مستمر است تا اینکه انسان به کمال نهایی نائل شود. هدف از آفرینش انسان رسیدن به قرب الهی می باشد و این خدا گونه شدن و قرب الی الله جز در سایه تربیت اسلامی شکل نمی گیرد تربیت، بالاترین هدف دین اسلام و هدف نزول وحی و قرآن هدایت انسانهاست و هدایت با تربیت انسان آغاز می گردد. تعلیم و تربیت اسلامی، چه از لحاظ محتوا و روش و چه از لحاظ اهداف و آرمان بر مبنای جهان بینی، هستی شناسی و انسان شناسی استوار شده است نخستین گام در اجرایی کردن سیره ی نبوی و تعلیم قرآن کریم بنای نظام تعلیم و تربیت اسلامی می باشد. پس نتیجه می گیریم که، در تعلیم و تربیت اسلامی اگر از همان لحظات اولیه ی زندگی کودک، زمینه های رشد فراگیر فرزندان را مد نظر قرار داده و مدبرانه و آگاهانه به آن پرداخته شود، انسان هایی با جهان بینی الهی، که عشق به

کمال و شوق وصال به منبع فیوضات خداوند تمام وجودشان را پر می کند، به جامعه ی بشری عرضه خواهند شد. اما لازمه ی تحقق چنین امری، اعتقاد عملی و نظری و یقین به امکان وجود چنین روش ها و شیوه های تربیتی و اقدام در ساختارمند کردن و عینیت بخشیدن به آن است.

پی نوشتها

1- راجب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، جلد دوم، ۹، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۱، ص ۴۱ و ۴۰

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، قم، صدرا، ۹، صص ۵-۶

۳- مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن (تاریخ: ۹۱/۱۰/۳۰) ماهنامه پیام زن، شماره ۱، نویسنده: عبدالرحیم موگهی

۴- www.maarefquran.com

۵- مصطفی دلشاد تهرانی سیره نبوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲، ص ۴۰۳،

6- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علی بن الحسام الدین المتقی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱۱، ص ۲۲۲

۷- www.maarefquran.com

8- حسین نجاتی، روان شناسی نوجوانی، تهران، بیکران، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷-۱۶۰

9- اینترنت.سایت تبیان

۱۰- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، قم، صدرا، ۱۳۷۱، ص ۲۴۱

۱۱- احمد، ابن فارسی، معجم مقائیس اللغة، بی جا، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۰۶.

12- سایت ya mahdi10

13- محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه جعفری، ۱۳۶۲، تهران، ۹، ص ۱۸۲

14- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، نشر اهل البیت ج ۳، ص ۲۵۶

15- نشریه اسلام و پژوهشهای تربیتی شماره ۱

16- <http://rasekhoon.ne>

17- حسن بن علی الحسین ابن شعبه حرانی، تحف العقول من آل الرسول، ترجمه ی آیت الله کمره ای، قم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۹، ص ۷

18- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۳ ق، بیروت، دارالاضواء ج ۷۰، ص ۲۳۹

۱۹- مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۲

۲۰- ۲۱- عبدالعظیم کریمی، آنچه درباره کودک و نوجوان باید بدانیم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۷، ص ۷۷.

۲۱- ۲۲- علی نقی فقیهی، تربیت جنسی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵-۱۳۴

۲۲- ۲۳- محمد تقی مجلسی بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ج ۶۶، ص ۳۱۴

۲۴- ۲۳- حسن بن علی الحسین ابن شعبه حرانی، تحف العقول من آل الرسول، ترجمه ی آیت الله کمره ای، قم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۹، ص ۲۹

۲۴- ۲۵- علی بن الحسام الدین المتقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱۵، ص ۷۸۴

۲۶- ۲۵- سالم الصفار، سیره پیامبر در رهبری و انسان سازی، ترجمه ی غلامحسین انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵

۲۷۲ ۲۶ علی کرمی فریدنی، نهج الفصاحه، پرتوی از پیام پیامبر، قم، انتشارات حلم، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱

۲۷ ۲۸، همان، ص ۷۸

۲۹ ۲۸ مهناز وکیلی، بخش نهج البلاغه سایت تبیان

۲۹۳۰ بخش خانواده ایرانی تبیان مقاله نوریه نوچمنی

۳۱ ۳۰ سایت تبیان گروه دین و اندیشه

<http://kazemi1343.blogsky.com> ۳۱۳۲

۳۳۲ نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، قم، انفال، ۱۳۸۶، ص ۴۵۴-۴۵۵ حکمه ۷۳

-- <http://www.hawzah3333>

<http://tarbiat44.mihanblog.com> ۳۴۳۴

<http://www.haderbad.blogfa.com> ۳۴۵

- <http://tarbiat44.mihanblog.com> ۳۶۳۷۳۶

<http://tarbiat44.mihanblog.com> ۳۸۳۷

<http://www.haderbad.blogfa.com> ۳۸۳۹

^<http://tarbiat44.mihanblog.com> ۳۹۴۰

<http://tarbiat44.mihanblog.com> ۴۰۴۱

-<http://quranrahro.blogsky.com> ۴۱۴۲ ۴۱۴۲

<http://moralize.blogfa.com>- ۴۳۴۲